

A Study of Islamic Lifestyle Indicators in Contrast to the Western Lifestyle in Facing the Covid 19 Crisis

Mohammad Moradi Binabaj*

Maisam Moradi Binabaj**

Abstract

The article studies lifestyle. Studying lifestyle is even more important in a corona pandemic. The question is, how do different lifestyles respond to the difficulty of living in a corona pandemic? The issue of living in exceptional circumstances is met with different responses from different perspectives and approaches. The article seeks the answer in both Western and Islamic lifestyles. The author tries to define two Islamic and Western lifestyles. After defining these two lifestyles, he examines the perspectives on the corona pandemic. He believes that the Western lifestyle has not been successful in dealing with the Corona crisis, and this goes back to the materialism of the Western approach. While the Islamic lifestyle has a greater potential for crisis management due to its focus on transcendence. This feature gives hope, capacity and resilience and resilience in critical situations. Paper according to the capacities of Islamic lifestyle has studied its approach to the Corona crisis.

Keywords: Crisis, corona, lifestyle, consumerism, transcendence.

* M.A student in communication, irib university, Tehran, Iran (Corresponding Author),
Mohammad.Moradi.B@Gmail.com

** PhD student in Culture and Communication, Islamic Azad University, Central Tehran Branch,
mm.binab@gmail.com

Date received: 07/07/2021, Date of acceptance: 01/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی در تقابل با سبک زندگی غربی در مواجهه با بحران کرونا

محمد مرادی بیناباج*

میشم مرادی بیناباج**

چکیده

کوشش مقاله مرور و بررسی دیدگاه‌های گوناگون در ارتباط با سبک زندگی است. این مهم به شکل ویژه در شرایط همه‌گیری ویروس کوید ۱۹ مورد مطالعه قرار گرفته است. در این مقاله مولفه‌های سبک زندگی پیرامون تأثیر ویروس کرونا بر آن مورد بحث قرار گرفته است. نظریه پردازان متعددی به بحث و بررسی پیرامون کرونا و آثار آن پرداخته‌اند. هم‌چنین با توجه به اهمیت و نقش اساسی نوع سبک زندگی در نحوه برخورد با پیشامدهای اجتماعی در سطح خرد و کلان، در این پژوهش به نظرات آنان در مورد نحوه یا تغییر سبک زندگی افراد جامعه در مقابل ویروس کرونا اشاره شده است. هم‌چنین در این مقاله سبک زندگی از منظر اندیشمندان اسلامی و غربی با یکدیگر مقایسه شده است، به‌ویژه دیدگاه امامین انقلاب که در زمره مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رهبران مذهبی و سیاسی قرن اخیر هستند پرداخته شده است. به‌علاوه سبک زندگی غربی نیز از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجایی که انسان کنونی خصوصاً انسانی که با تفکر غربی دنیوی تعریف می‌شود، جهت ادامه زندگی در رویارویی‌اش با کرونا به پوچی رسیده و

* دانشجوی کارشناسی ارشد، روزنامه‌نگاری رادیو و تلویزیون، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)، Mohammad.Moradi.B@Gmail.com

** دانشجوی دکترای تخصصی، فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران،
mm.binab@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

بیش از پیش در کلاف سردرگم سبک زندگی تحمیلی نظام سلطه که هدفش استثمار و استعمار انسان عصر جدید است، به دام افتاده است. در این میان نظام سلطه در تلاش است تا کارآمدی و توانمندی خود در تمامی ابعاد زندگی بشری را به‌عنوان نسخه‌ای جامع و کامل برای زندگی بشر و حذف نیاز انسان مدرن به معنویات و دین به رخ بکشاند. حال آن‌که مواجهه دنیای غرب از جمله جامعه، دولت‌مردان و به نوعی حکومت و سبک زندگی غربی با بحران ویروس کرونا باعث شد تا نقاب از چهره حقیقی این نوع سبک زندگی کنار رفته و نقاط ضعف و ناکارآمدی این تفکرات مبتنی بر دانش بشری صرف نمایان گردد. در مجموع می‌توان گفت بسته به نوع مولفه‌های رایج در سبک زندگی هر فرد، رویکرد زندگی وی می‌تواند مثبت و سازنده و یا منفی و مخرب باشد. انتخاب نوع سبک زندگی می‌تواند در نهایت به‌عنوان عامل محرک حرکت در جبهه حق و تعالی و رشد انسان و یا در عوض به‌عنوان عامل سقوط و اضمحلال در جبهه باطل عمل نماید.

کلیدواژه‌ها: بحران کرونا، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی، مصرف، مواس.

۱. مقدمه

با پدیدار شدن نوعی جدید از ویروس کرونا در سال ۲۰۱۹ ووهان چین و سرایت آن به سراسر جهان موجی از نگرانی و اضطراب ناشی از این بیماری به‌وجود آمده است که نه تنها فشار شدیدی بر سیستم‌های بهداشتی کشورهای وارد آورده است، بلکه بر ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع نیز تأثیرات خرد و کلان به‌سزایی برجای گذاشته است. با ظهور این بیماری ارزش‌ها و هنجارهای جمع‌گرایانه و فردگرایانه به‌طور همزمان رواج یافته است. به‌عنوان مثال در برخی جوامع از جمله ایران گسترش و رشد روحیه همیاری و همکاری گروه‌های داوطلب مشاهده می‌شود. حال آن‌که در سوی دیگر بروز این بحران منجر به انزوا، ترس و عافیت‌طلبی ناشی از خطر ابتلا به این بیماری شده است و بسیاری را به بیگانه‌هراسی و کاهش چشمگیر روابط اجتماعی سوق داده است. این بیماری تأثیرات شگرف و بی‌مانندی بر سبک زندگی، روابط اجتماعی، اوقات فراغت، محیط کار و فضای مجازی داشته است.

شکست و دوپارگی ناشی از بیماری مذکور در عصر مدرن کنونی بی‌مانند بوده و همانند ضربه‌ای ناگهانی انسان مدرن را مدهوش کرده است؛ به گونه‌ای که قدرت عکس‌العمل زود هنگام و مقتضی را از وی سلب نموده است. این بیماری انسان متمدن و

مغرور مدرن را به ورطه آزمونی پرافت و خیز و پردغدغه و بحرانی چندبعدی وارده کرده است که در صورتی که تدبیری مناسب برای آن اتخاذ نشود، هلاکت ارزش‌ها و هنجارها را در پی خواهد داشت. تنش‌ها و بحران‌های ثانویه به کرونا حتی در کشورهای بسیار پیشرفته بیش از پیش شکنندگی، ضعف و سستی ایدئولوژی‌های مبتنی بر دیدگاه مادی گرایانه و انسان گرایانه که صرفاً به دنبال اصالت سود و انتفاع مادی هستند را نشان می‌دهد.

نظام سرمایه داری که انسان را در دنیای مادی گرایی مغروق ساخته و به دنبال هوا و هوس دنیوی می‌کشانند؛ با استفاده از دانش و تکنولوژی جهت تحکیم پایه‌های حکمرانی خود، سعی در حفظ و بقای دستگاه سودگرای خود داشته و از این رو با وام‌گرفتن از گفته میشل فوکو می‌توان گفت که دانش‌ها در جهان مدرن و معاصر، "فناوری‌های قدرت" هستند و همه شکل‌های روابط قدرت و سلطه با و از طریق دانش‌ها انجام می‌شوند و شکل می‌گیرند. در این مقاله تلاش شده است تا از منظر تفاوت به پیامدهای این بحران مدرن نگریسته شود. از آنجایی که نحوه مواجهه مردم با این ویروس در سبک زندگی آن‌ها نمود پیدا کرده است و عوامل مختلفی در سبک زندگی موثر می‌باشد سعی شده تا با بررسی، مقایسه و غور در مفاهیم سبک زندگی از دو دیدگاه اسلامی و غربی به تفاوت‌های موجود در تقابل با بحران‌هایی با این گستردگی اشاره شود. نوع مواجهه با ویروس کرونا خود دلیلی بر ناکارآمدی بیش از پیش سبک زندگی مصرف‌گرا، سودمحور و منفعت طلب غربی است تا جایی که بدون هیچ ابایی دولت‌های غربی دست به سرقت محموله‌های بهداشتی و پزشکی زدند. انسان کنونی خصوصاً انسانی که با تفکر غربی دنیوی تعریف می‌شود، با توجه به آنکه سبک زندگی اش تغییر کرده، برای ادامه زندگی با توجه به مواجهه‌اش با کرونا به نوعی به پوچی رسیده است و بیشتر از قبل از روش، نحوه و سبک زندگی ای که در آن به سر می‌برد کلافه گردیده است.

در مجموع در این مقاله برآنیم تا با مرور اطلاعات موجود در مورد صورت مساله و در کل نقش سبک زندگی بر انسان خصوصاً انسانی که با مقوله‌ای به نام کرونا روبه‌رو است، دید بهتری را به خواننده در زمینه آشنایی با هر یک از کلید واژه‌های مطرح شده در چکیده مقاله ارائه کنیم.

۲. ابعاد مختلف پیامدهای ویروس کرونا

برای دانستن این‌که پیامدهای ویروس کرونا بر چه افراد و سازمان‌هایی موثر است، باید ابعاد مختلف این بحران را بررسی کرد.

بر این اساس می‌توان از منظرهای مختلف «به این بحران نگریست:

- نخست کرونای سخت (Hard Corona) یا «زیست شده بیماری»، که تعداد مبتلایان و قربانیان در ایران و دیگر کشورها را در بر می‌گیرد.

- دوم «سیاست کرونایی» (Managed corona) یا «مدیریت شده»، که به مفهوم رویکردها، تدابیر و برنامه‌هایی است که دولت، سازمان‌های بهداشتی، نظام سلامت و نهادهای مدنی در این زمینه اتخاذ می‌کنند.

- سوم، «کرونای نرم» یا «کرونای بازنمایی شده» (Representative corona) است که روایت، نمایش و بازنمایی این بیماری در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی است. در این فضا محتوای رسانه‌ای تصویربرداری و مکتوب خلق شده و «مخیله اجتماعی» شهروندان با ابعاد تازه‌ای از تاریخ، فرهنگ و سیاست و بدن آشنا می‌شود. اکنون نه تنها پزشکان و محققان علوم بهداشتی، بلکه مورخان، جامعه‌شناسان، هنرمندان و به قولی تمام شهروندان آگاه جامعه، به روایت کردن و مستندسازی تجربه خود از این پدیده مشغول هستند.

- چهارم «کرونای جهانی شده» (Globalized corona) که بدین مفهوم است که درگیری با کرونا محدود به ایران نیست، بلکه این بیماری به‌عنوان یک «نشانه و زبان جهانی» در خانه‌ها، بدن‌ها و ذهن و زبان ما نفوذ کرده است. این همه‌گیری به موضوعی مهم در همه ابعاد روابط بین‌الملل و موضوعات انسانی و جهانی مبدل شده است. این بیماری زبان مشترکی میان ملت‌ها ایجاد کرده و شکلی از همدلی و یکپارچگی را ایجاد کرده که کرونا را دشمن مشترک بشریت می‌داند. از این منظر، طبقه‌بندی‌های سیاسی غیریت‌سازی (Otherness)، چون شرق و غرب که جمهوری اسلامی بر آن تکیه دارد با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. در این فضا، کرونا به عنوان ویروس از مفهومی خستی، غیرایدئولوژیک و بی‌طرفانه برخوردار است، اما این ویروس به

شیوه‌ای پیچیده، شیوه‌های جدیدی از رمزگذاری و رمزگشایی سیاست‌های بین‌المللی و روابط جهانی در حوزه‌های گوناگون را موجب می‌شود. این دیدگاه این مفهوم را تولید، ترویج و توسعه می‌دهد که ایران در معرض تحریم و انزوای بین‌المللی را به شیوه نامتعارفی در مقابل جهان قرار دهد و افکار عمومی جهانی را متوجه زندگی روزمره و سلامت شهروندان ایرانی کند. همچنین گسترش کروناویروس از ایران به کشورهای دیگر بر وخامت موقعیت جهانی شده کرونای ایران می‌افزاید. (پایگاه اطلاع رسانی پدافند غیرعامل، ۱۳۹۹)

نیزبت (Nisbet) به بحران کرونا به مثابه یک «مسئله اجتماعی» می‌نگرد، یعنی گونه‌ای از رفتار است که از جانب تعداد بسیاری از افراد جامعه ناقض یک هنجار بوده و یا به‌عنوان یک هنجار پذیرفته شده است. از نظر نیزبت بحران اجتماعی دو وجه دارد: وجه ذهنی و وجه عینی؛ وجه عینی آن، یک شیوه رفتاری است که از سوی عده‌ای از افراد یک جامعه انجام می‌شود و از این نظر عینیت دارد. (Nisbet, 1927:1-2)

اما از منظر سازه‌گرایان مسئله اجتماعی دارای چهار ویژگی مشکل‌زا بودن، شایع بودن، تغییرپذیری و عزم برای تغییر آن است. و در صورتی که پدیده‌ای فاقد یکی از این ویژگی‌ها باشد نمی‌توان آن را مسئله اجتماعی دانست. از این نظر اگر چیزی مشکل‌زا باشد، تغییرپذیر هم باشد، اما عزمی برای تغییر آن در جامعه وجود نداشته باشد، طرح آن به‌عنوان یک مسئله اجتماعی دردی را دوا نمی‌کند و بهتر است به‌عنوان مسئله معرفی نشود (لوزیک، ۱۳۹۳: ۲۵)

در این راستا دنیل آلدریچ (Daniel P. Aldrich, 2020) معتقد است در بحران‌های بزرگ با تقویت پیوندها، غلبه بر مشکلات آسانتر است. وی به از جمله آن که نتایج مطالعات نشان داده است که تقویت پیوند اجتماعی میزان رعایت توصیه‌های دولتی را بیش‌تر می‌کند (Nisbet, 2018). از منظر وی در عین اینکه باید بر پیوند اجتماعی قوی تمرکز داشت، اما نباید از پیوندهای ضعیف نیز غافل شد. چرا که این پیوندهای پل زنده منجر به این می‌شود که گردش اطلاعات بیشتری به جریان بیفتد، مشاوره‌های بهداشتی بیشتری به اشتراک گذاشته شود؛ ارتباط با افراد متنوع شود و در نتیجه میزان تطبیق با رفتارهای جدیدی تطبیق افزایش یابد. وی معتقد است در مقوله کرونا پیوند اجتماعی دارای اهمیت است، هرچند نباید از اهمیت پیوندای ضعیف اجتماعی

غافل شد. از طریق تنوع موجود در پیوندهای عمودی و پل‌زننده با افراد گوناگونی ارتباط می‌گیریم و خود را با رفتارهای جدیدی منطبق می‌سازیم (Nisbet, 2020).

از منظر فرانک اسنودن، مورخ برجسته بیماری‌های همه‌گیر، بیماری‌های همه‌گیر، رخدادهایی تصادفی نیستند که جوامع را به ناگهان و بی‌هشدار درگیر کنند؛ بلکه هر جامعه‌ای نقاط ضعف خاص خود را دارد و برای مطالعه آن جامعه باید ساختار، سطح زندگی افراد و اولویت‌های سیاسی آن را درک کرد. (کوتینر، ۱۳۹۹)

پزشکی شدن زمانی بدین معنی است که چارچوب یا تعریفی پزشکی برای فهم یا مدیریت مسائل غیرپزشکی به کار رود. در این صورت مسائل غیرپزشکی در حوزه اختیار و اقتدار پزشکی قرار می‌گیرد (قاضی طباطبایی، ودادهیر و محسنی تبریزی، بهار ۱۳۸۶) مفهوم بیش پزشکی شدن اشاره به سبک جدیدی از زندگی متأثر از بحران کرونا در بین مردم دارد که بیشتر از پزشکی شدن برای «بهداشتی بودن» اهمیت قائل می‌شوند؛ حال آنکه پزشکی شدن تسلط و اقتدار پزشکان را به دنبال دارد (میرصالحیان و دالوند، مهر و آبان ۱۳۹۷). ادگار مورن (Edgar Morin) جامعه‌شناس فرانسوی قائل به مفهوم زمین‌وطن است و می‌گوید ما ساکنان زمین به یکدیگر وابسته بوده و راه حل این بحران در همبستگی جهانی است. (Edgar, 2020)

۳. انواع دیدگاه‌ها در چیستی سبک زندگی

از منظر «سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی اینگونه تعریف می‌گردد: «روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادت‌های فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) که حاصل فرایند جامعه‌پذیری است.» (فیضی، ۱۳۹۲).

مفهوم سبک زندگی توسط متخصصان حوزه‌های مختلف از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، اقتصاد، بازاریابی و علوم سلامت مورد مطالعه قرار گرفته است.

سبک زندگی از منظر لغت‌شناسی شامل دو کلمه «سبک» و «زندگی» است. سبک در متون تخصصی در سه معنی اصلی به کار رفته است؛ معنی اول و غالب آن، به الگو یا شیوه خاصی از نوشتن، صحبت کردن، نقاشی کردن و طراحی لباس گفته می‌شود. سبک در

بررسی شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی ... (محمد مرادی و میثم مرادی) ۱۹۳

معنی کلی، چیزی عینی است که اعتبار آن وابسته به اذهان، علایق و فعالیت های انسان‌هاست (Simmel, 1978: 468).

در معنای دوم به زیبایی شناختی شدن زندگی روزمره مربوط می شود و در این معنا سبک به معنی زیبایی بصری است (Featherstone, 2007).

معنی سوم و تخصصی سبک در مطالعات فرهنگی مطرح شده است؛ سبک مفهومی فراتر از الگو و به معنی سازماندهی اشیاء در ارتباط با فعالیت ها و نگرش ها از طریق گردآوری فعال برای معنابخشی به تفاوت و هویت است (Barker, 2004: 192).

سبک، ابزاری است که هویت فرهنگی و جایگاه اجتماعی از طریق آن بحث و ابراز می شوند (Fiske, 1988: 389). سبک ها، جزء لاینفک مجموعه ای از قواعد، قوانین و قراردادهایی هستند که شکل های تعامل، ارتباط و هویت اجتماعی مان را سازمان می دهند (اسولیوان، ۱۳۸۵: ۳۹۰-۳۸۹). سبک زندگی به معنی دیگر به معنای شیوه زندگی (Life of Way) و با فرهنگ، ساختار، طبقه و گروه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

وجود مفاهیم جدیدی همانند سبک زندگی رسانه‌ای (media lifestyle)، سبک زندگی ورزشی (sports lifestyle)، سبک زندگی پزشکی (medicine lifestyle)، سبک زندگی مدیریتی (management lifestyle)، سبک زندگی سیاست‌گذاری (Policy lifestyle) و سبک زندگی پایدار (Sustainable lifestyle) نشانی از تخصصی تر شدن مفهوم سازی در مطالعات سبک زندگی است.

اندرسون و جانسون (۱۹۹۸) بر اساس میزان سرمایه فرهنگی، دو نوع از سبک زندگی فرهنگی مترقیانه (Lifestyle Progressive Cultural) و محافظه کارانه (Lifestyle Cultural Conservative) را تشخیص داده اند. سبک زندگی مترقیانه، با نگاه عام خود به فرهنگ والا، مرز میان مصرف فرهنگی والا و فرهنگ عامه پسند را از بین می برد. حال آن که سبک زندگی فرهنگی محافظه کارانه با نگاه صرف به فرهنگ والا از رویکرد عقلانی و گزینشی در مصرف فرهنگی حمایت می کند (Jansson & Andersso, ۱۹۹۸).

از جمله عوامل مهم در نمایان شدن سرکشی و عصیان‌گری موجود در سبک زندگی جدید می توان به کم رنگ شدن دین و معیارهای اخلاقی اشاره کرد. چرا که دین و اخلاق عنصری مهم در تفکر زندگی آدمی می باشد که حیات مادی و معنوی و امنیت روانی آن را

در بر می‌گیرد و به او عزت و شرافت می‌دهد و او را از زنجیرهای اسارت‌های نابخردانه آزاد می‌کند (شکوهی، ۱۳۸۴: ۱۵).

امروزه انسان غربی قائل به دفاع از ارزش و آزادی انسان است. نظام اندیشه‌ای مستقل و مبتنی بر خدامحوری دیگر در اعتقاد دینی و چهارچوب جهان بینی جدید انسان غربی وجود ندارد. اعتقاد دینی این افراد در چهارچوب جهان بینی اومانستی مطرح می‌گردد و قائل به این است که جهان بینی مفاهیم و مقولات بنیادی مسخ و تحریف شده باشد تا با معیارهای این سبک از زندگی هماهنگی یابد. اومانسیم را می‌توان امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین مبانی اندیشه انسان غربی در پیدایش سبک جدید زندگی او دانست. ماهیت اومانسیم دریافت تازه و مهمی از شأن انسان به عنوان موجودی دارای قوه عقل و جدا از تقدیرات الهیاتی است.

در این تعریف، انسان با نیازها، خواسته‌ها، آرمان‌های خود به عنوان مبنا و معیار همه چیز تصور می‌شود و به عنوانی، انسان، خدا میشود. (دیویس، ۱۳۷۸: ۳۱).

الگوهای زندگی جامعه سستی غربی طی چند قرن گذشته تفاوت فاحشی با شیوه جدید زندگی آنان، به‌ویژه از منظر بنیاد خانواده و ارزش‌های اخلاقی مسیحی دارد، که نشان دهنده از هم گسیختن این جامعه است. رواج دیدگاه پوچ‌گرایانه کم‌رنگ شدن نقش‌ها و الگوهای مرجعیت و اقتدار معنوی، اجتماعی و سیاسی، در در طی چند دهه اخیر در جوامع شایع شده است. در مجموع می‌توان گفت تعریف مفهوم سبک زندگی نوین در دنیای مدرن، درعین وفاداری به هنجارها و مولفه‌های دنیای مدرن از آن‌گریزان نیز است (نصر، ۱۳۸۱: ۳۳۲) در چند صد سال گذشته مدرنیسم غربی به عنوان یک سبک زندگی، روش تازه‌ای پیاده کرده است و بر جنبه‌ها و الگوهای رفتاری مختلف انسانی اثرگذار است و هر روزه این الگوها تغییر پیدا می‌کنند. نتیجه اینکه در غرب، انسان خود قانون‌گذار است و برای زندگی خویش چارچوب تعیین می‌کند؛ سبک زندگی غربی، برحسب ظاهر، آزادی کامل فردی از قیدوبند سنت‌ها و اصولی است که طی زنجیرهای طولانی، از نسلی به نسل بعد رسیده. (نصر، ۱۳۸۲: ۳۳۱)

قرار گیری انسان در مقابل خدا به عنوان موجودی هم‌تراز او باعث گردید که انسان عصر جدید گام به گام به سوی سکولاریسم و بیدینی رانده شود. سکولاریسم را میتوان به این قرار دانست: «۱. روحیه علم‌گرایی؛ ۲. عقل‌گرایی دوره روشنگری؛ ۳. سنت‌ستیزی و

تجددگرایی؛ ۴. اعتقاد به آزادی و آزاداندیشی. (رجبی، ۱۳۸۰: ۳۳۷). مراحلی که انسان سکولار به سوی بی‌خدایی طی کرده‌است شامل تفسیر جدید از خدا و تعالیم دینی است که از سوی کسانی، مانند لوتر بیان گردید، ولتر و هگل از نفی دخالت خدا و ادیان آسمانی و تعالیم مسیحی، همچنین روی آوردن به دین طبیعت گرا سخن به عمل آوردند و هاکسلی به بیان شکاکیت نسبت به دین و خدا روی آورد (رجبی، ۱۳۸۰: ۴۵).

۱.۳ مفهوم مصرف در سبک زندگی غربی

سبک زندگی و مصرف دو موضوعی هستند که امروزه بیش از پیش با یکدیگر عجین شده‌اند و این پیوند مفاهیم بین مصرف و سبک زندگی، به دلیل تکیه بیش‌ازپیش تحلیل‌های سبک زندگی به الگوهای مصرف فرهنگی، اجتماعی است. با توجه به این‌که سبک زندگی محدود به مصرف نیست، اما می‌توان گفت همه انسان‌ها کم و بیش مصرف‌کننده‌اند و نوع مصرف مبین سبک زندگی است. وبلن مصرف را ابزاری برای کسب وجهه و نمایش ثروت می‌داند. (Veblen, 1899: 64)

از اثرگذارترین عوامل بر مقوله مصرف در سبک زندگی می‌توان به ابعاد فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد. تحقیق‌هایی که در زمینه مباحث اجتماعی صورت گرفته نیز مبین این است که چگونه ارزش‌های اجتماعی و باورهای مذهبی، بر فرهنگ مصرف آدمی تأثیر می‌گذارد (مقدس و سروش، ۱۳۹۱)

وبلن از دو نوع مصرف در نظریه طبقه مرفه سخن به عمل می‌آورد: مصرف ضروری شامل حداقل کالاها و خدماتی که برای بقای انسان ضروری است، (Veblen, 1899:73) و مصرف تظاهری که مصرفی حداکثری و اسراف‌گرایانه است و در طبقات بالای فئودالی، به شکل فراغت کاذب بروز پیدا می‌کند (ذکایی، ۱۳۹۱).

از منظر ماکس ویر در اخلاق پروتستان و روحیه‌ی سرمایه‌داری می‌توان رابطه‌ی عوامل فرهنگی و باورهای دینی بر رفتار مصرفی و کنش اقتصادی را مشاهده کرد. ویر معتقد است پروتستان‌ها با تأثیرپذیری از عقاید مذهبی خود فرهنگ مصرف ویژه‌ای داشته و از تجمل‌گرایی، مصرف بی‌حد و حصر و تنبلی اجتناب می‌کردند همچنین فعالیت کاری و سرمایه‌گذاری مجدد سودهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی را یک وظیفه‌ی دینی می‌دانستند (ویر، ۱۳۷۱).

داگلاس و ایشروود (Douglas and Isherwood) بیان می‌دارند وجه تمایز طبقات مصرفی بر سه مجموعه کالا استوار است؛ بخش اولیه، تولید است (مانند خوراک)؛ بخش ثانویه، مجموعه تکنولوژی مرتبط با تولید است (مانند وسایل حمل و نقل سفری) و بخش سوم مجموعه اطلاعات است (همانند محصولات فرهنگی). در این نظام طبقاتی فقرا به علت آنکه درآمد کم تری دارند تمام توجهشان معطوف به بخش اولیه یعنی همان خوراک است، حال آن که طبقات مرفه به علت درآمد سرشار در خصوص مصرف کالاهای اطلاعاتی به افراط پرداخته و حتی به قضاوت آن نیز می‌پردازند (داگلاس و ایشروود ۱۹۸۰: ۱۷۶).

بورديو (Bourdieu) در کتاب تمایز (۱۹۸۴) با در نظر گیری وضعیت اقتصادی، سبک زندگی، موضع گیری مصرفی و طبقات فرهنگی بین گروه‌های اجتماعی و سبک های زندگی خاص ارتباط برقرار نموده است. از این رو وی معتقد است مصرف برخی اقلام و کالاها نشانگر تمایز اجتماعی است. (بورديو، ۱۹۸۴: ۲۲۸).

از منظر بومن (Bauman) جامعه مصرفی جامعه ای است که در آن سندروم مصرف‌کنندگی حکم فرما است. انسان‌ها بدون توجه به نیاز اصلی خود دائماً به فکر مصرف هستند. سندروم مصرف‌کننده همانند انبوهی ناهم شکل از تمایلات‌ها و راهبردها، تمایلات شناختی، تفاوت و غرض ورزی‌های ارزشی، معلومات آشکار و پنهان درخصوص شیوه‌های جهان و نحوه تجربه آن، تصور از شادی و راه‌های تعقیب آن و برتری‌های ارزشی است» (Rojek, 2004: 293).

۲.۳ سبک زندگی از منظر اسلام

سبک زندگی در تعریف دین اسلام را می‌توان اینگونه بازگو کرد:

منظور از سبک زندگی اسلامی این است که تمامی گرایش‌ها، تمایلات، باورها، ارزش‌ها و مجموعه برداشت‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی و سیاسی فرد یا جامعه در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و عمل به آنها پایه ریزی شود.

آیت الله مصباح یزدی همچنین در این راستا می‌نویسد: «سبک زندگی اسلامی به مجموعه موضوعات و مسائل مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲).

مهدوی کنی سبک زندگی را اینگونه تعریف می‌کند:

الگوی همگرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع و یا انتخاب می‌کند و به اختصار الگو یا مجموعه نظام مند کنش‌های مرجح (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۲۸).

شهابی با ارائه یک گونه‌شناسی سیاسی از انواع سبک زندگی، سه نوع از سبک زندگی را تعریف کرده است: سبک زندگی هم سنخ و یا متعارف، سبک زندگی جهان‌وطنانه و سبک زندگی بسیجی. سبک زندگی بسیجی در این طیف در یک سو و سبک زندگی جهان‌وطنانه در سمت مقابل قرار می‌گیرد. سبک زندگی متعارف نیز در میان این دو طیف جا می‌گیرد. (شهابی، ۱۳۸۶: ۴۱). می‌توان گفت شاخصه مهم سبک زندگی اسلامی سودمندی آن و انتفاع فرد از مزایای بالقوه آن است و نه متضرر کردن فرد و می‌توان به حدیث لا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فی الاسلام (وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۲۰، ح ۲) اشاره کرد که مبین این است که در سبک زندگی اسلامی فرد باید به نوعی عمل کند که به خود و دیگران نفع برساند.

گذر زمان باعث گردیده تا نیازهای دیگری همچون ارتباطات و ارزش‌های اخلاقی در سبک زندگی از اهمیت به‌سزایی برخوردار گردد. سبک زندگی دیگر محدود به موضوع مصرف که پیرامون ساختارهای طبقات مختلف جامعه و نظام سرمایه‌داری می‌باشد نبوده و تحلیل‌های گوناگونی در ابعاد مختلف زندگی همچون موضوعات فرهنگی و معنوی را نیز دارا می‌باشد. (مهدوی کنی، ۱۳۹۶).

۳.۳ مفهوم مصرف در سبک زندگی اسلامی

مقوله مصرف و اجتناب از مصرف زدگی (اسراف) همواره در تعالیم اسلامی مورد توجه بوده و آیات و روایات پیرامون این مقوله در دو حوزه اصلی تقسیم‌بندی

شده است. از یک منظر آیات و روایات افراد را جهت کسب روزی و گذران زندگی به تلاش و کوشش دعوت می‌نماید که مصداق آن آیه ۶۶ سوره مبارکه اسراء است: پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی‌آورد تا از نعمت او بهره مند شوید (قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۶۶).

هم‌چنین پیامبر (ص) نیز از خداوند به سامان بودن این جهان را به عنوان محل گذران زندگی و ابزاری در جهت کسب فیوضات معنوی طلب نموده است: بار خدایا! دنیای مرا به سامان آور؛ همان را که مایه زندگانی من قرار داده ای. (الأمالی للطوسی، ص ۱۵۸) و امام صادق (ع): خیری نیست در آن کس که گردآوردن مال از راه حلال را دوست نمی‌دارد؛ تا با آن آبروی خویش را حفظ کند، دینش را ادا نماید، و با خویشانش پیوند داشته باشد. (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۷، ح ۳۰).

و در مقابل آن آیات و روایاتی که استفاده بیهوده و اسراف را سرزنش می‌کنند همانند: اعراف ۳۱: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد، پیامبر (ص) فرمودند: یکی از موارد اسراف این است که: انسان هر چه دلش بخواهد بخورد. (کنز العمال، ح ۷۳۶۶۹) امام صادق (ع) فرمودند: در آنچه بدن را سالم نگه دارد، اسراف نیست. بلکه اسراف در چیزهایی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر برساند. (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۳، ح ۶).

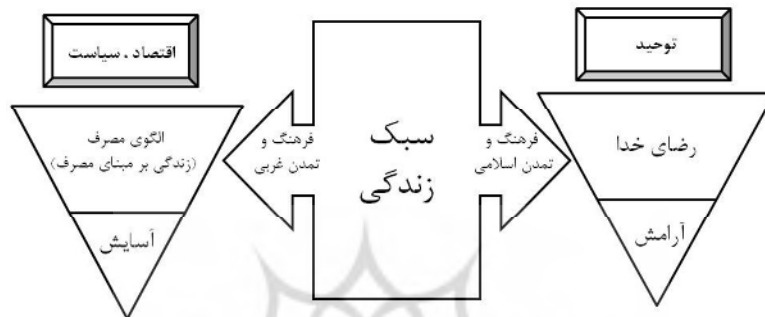
این آیات و روایات و بسیاری دیگر از آن که در اینجا بیان نگردید نشان دهنده ارائه ساختار کلی اسلام برای زندگی انسان در مقوله مصرف می‌باشد که در آن نحوه به‌دست آوردن و همچنین چگونگی مصرف بیان گردیده است.

با جرات می‌توان گفت اسلام نه مانند ادیان و آیین‌های ریاضت طلب از دنیا روی برگردان است و نه مانند تفکر ماتریالیست‌ها تنها دنیا برای آن از اهمیت برخوردار است، بلکه بهره‌گیری از نعمت‌های الهی را نوعی عبادت و شکرگذاری می‌داند و دنیا را مزرعه‌ای برای آخرت قلمداد می‌کند. (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۵).

۴.۳ تفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی

اسلام در تضاد با اندیشه غربی جسم را دارای روح الهی دانسته و قوه ناطقه را ابزاری در جهت ایجاد ارتباط و پیام‌رسانی می‌داند. در فرهنگ اسلامی سبک زندگی

توحیدمحور است. انسان مومن برای دست یابی به رضایت الهی در چارچوب‌های مشخص عمل می‌کند که نتیجه آن دستیابی به آرامش است. بر این اساس به راحتی تفاوت اساسی و بنیادی سبک زندگی اسلامی که در ساختار فرهنگ و تمدن اسلامی است را می‌توان با آنچه در فرهنگ غرب به نام سبک زندگی جریان دارد نمایان کرد (شکل ۱). به‌طور کلی جهان بینی اسلامی یک جهان بینی توحیدی است. (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۴).



شکل ۱. مقایسه بین سبک زندگی فرهنگ و تمدن اسلامی و فرهنگ و تمدن غربی

در سبک زندگی برای ما تعامل فرهنگ مدرن با جهان اسلام و هویت ما محسوب می‌گردد در صورتی که در روش و سبک زندگی نظام سرمایه داری غرب همه چیز معطوف به اقتصاد است؛ به همین علت موضوعاتی از سبک زندگی که برای ما مسئله و مهم است برای جهان غرب اصلاً مسئله نیست و مطرح نمی‌گردد (پارسا، ۱۳۹۱: ۳).

در فطرت انسان تمایل به دین وجود دارد و تفکر اسلامی معتقد به این است که خداوند دین را در نهاد انسان قرار داده و این موضوع در آیه ۳۱ سوره روم اینچنین آمده است: *فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا* (روم/۳۱).

تفکر اسلامی قائل به این است که طبیعت انسان مادی گرا نیست و مادی‌گرایی یک سیر مخالف با فطرت انسان قلمداد می‌گردد و باتوجه به اینکه بر خلاف اصل فطرت انسان است باید علت آن را جستجو کرد (مطهری، ۱۳۸۳: ۱، ۴۷۲).

استاد مطهری عقیده دارد انسان دارای فطرت و تمایلات بسیاری است که به نوعی با روند تکاملی وی مرتبط بوده و برای پیشرفت در این سیر به آن احتیاج دارد. از این رو می‌توان گفت که هیچ تمایل لغوی در انسان موجود نیست و نحوه مواجهه و مقابله و

برآورده کردن آن، انسان را در جهت نزدیک شدن یا دور شدن از مقصد توحیدی موجود در فطرتش قرار می‌دهد. از جمله این تمایلات می‌توان این موضوعات را نام برد: تمایل به ثروت، تمایل به محبوبیت اجتماعی، تمایل به علم و حقیقت‌جویی، تمایل به تشکیل خانواده و انتخاب همسر و مانند این‌ها. تمایل دینی نیز از تمایلات طبیعی انسان است. هیچ یک از این تمایلات منافی یکدیگر نیستند و فی‌مابین آنها تضاد و تناقض واقعی نیست. اگر به هر کدام از آنها به عدالت توجه شود هماهنگی کامل میان آنها برقرار می‌گردد. دیده‌شده مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین با شعار اینکه اگر خواهان دین هستید از دنیا روی برگردان شوید به نام دین با همه چیز به جنگ می‌پردازند. بنابراین هر کس که بخواهد غرایز دینی خود را پاسخ دهد باید با همه چیز در جنگ باشد. روشن است هنگامی که معنی زهد، ترک وسائل معاش و ترک موقعیت اجتماعی و انزوا و روی گرداندن از انسان‌های دیگر باشد؛ و تا زمانی که غریزه جنسی بد و ناپسند شناخته شود و پاکیزه‌ترین افراد کسانی باشند که در همه عمر مجرد زیسته‌اند؛ زمانیکه دین علم دشمن معرفی گردد و دانشمندان به نام دین در آتش سوزانده شوند و سرهاشان زیر گیوتین برود قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد (مطهری، ۱۳۸۳، ۱: ۴۰۵).

در قرآن مجید آمده است که معیار کار برای انسان باید خیر باشد، و بشر از سود ظاهری و لذت اجتناب بورزد: *عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ لَكُمْ خَيْرٌ مِّنْ شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ لَكُمْ شَرٌّ مِّنْ شَيْئًا وَ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ* چه بسا چیزی را خوش نداشته‌وا و شئیئا و هو شر خیر لکم و عسی ان تحب بشید، حال آنکه خیر شما در آن است. یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. (بقره: ۲۱۶).

آیه مذکور مشخص می‌کند حقیقت انسان همان جان و فطرت است و بدن و موضوعاتی که به آن نفع می‌رساند جز ابزاری نیستند. از منظر فیلسوف معاصر جوادی آملی: از منظر یک فردعاقل، زاهد، عارف، عابد و بنده خدا که برای مثال رئیس نیز هست، قبل از اینکه دستوری بدهد، در درون خود، تکلیف رئیس و مرئوس را مشخص می‌کنند و می‌گویند روح، باید فرمان بدهد و بدن باید اطاعت کند و این‌گونه ریاست، لذت بخش است؛ اما جاهل، بدن را بر روح، مسلط کرده و آن را امیر و رئیس می‌کند و بر کرسی ریاست می‌نشانند و روح الاهی را به انقیاد بدن در می‌آورد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۴۱).

با توجه به آنکه گفته شد نیاز، آرامش، آسایش و سعادت چهار محور اصلی توجه به نوع استفاده از یک نوع کالا در هر فرهنگی است. نیاز از یک گزینه انسانی منشا می‌گیرد که در نهاد بشر اوست، مانند نیاز به آشامیدن، خوردن و نیاز به داشتن چیزهای مختلف که به همراه آن جهت رفع این نیاز آرامش و آسایش را می‌توان مطرح ساخت. آرامش بعد روانی رفع نیاز و آسایش بعد جسمانی در جهت مصرف کالایی خاص می‌باشد. در نهایت سعادت هنگامی بروز پیدا می‌کند که برطرف کردن نیاز زمینه ایجاد سعادت خاص را برای بشر و انسان امروز فراهم سازد. در برخی از فرهنگ‌ها مانند آنچه از سبک زندگی غربی و مساله مصرف در آن بیان گردید سعادت همان کسب بالاترین لذت و کامجویی است و در فرهنگ اسلامی معنای دیگر و اخروی پیدا می‌کند.

۵.۳ سبک زندگی در نگاه امامین انقلاب

منظومه نظری حاکم بر گفتمان امامین انقلاب اسلامی، پیرامون مفهوم سبک زندگی، آفت‌ها و پیامدها و نسبت این پدیده اجتماعی - فرهنگی با دشمن گفتمان انقلاب اسلامی و راهبردهای اعلامیشان از اهمیت بالایی برخوردار است.

همانطور که قبل‌تر اشاره گردید، سبک زندگی غربی، ماحصل پدیده و فرهنگ مصرف‌گرایی است. فرهنگی که آثار سوء اقتصادی و اجتماعی در جهان ایجاد کرده است. فرهنگی که از نتایج شوم دوران مدرنیته است.

الف. آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به عنوان احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) در دوران معاصر، نگاه خاص و ویژه‌ای به سبک زندگی اسلامی داشتند. می‌توان گفت اندیشه امام (ره) در مورد سبک زندگی نگاه به وظایف زندگی فردی در کنار زندگی اجتماعی است.

امام راحل رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی انسان را در گرو عمل به تکالیف فردی و اجتماعی می‌داند و بر این اساس در سیره زندگانی شخصی و اجتماعی و در سخنان ایشان که در طول سال‌های عمر پربرکت خود در میان اقشار مختلف مردم ایراد فرمودند شاخص‌های مهمی را برای تحقق سبک و اسلوب زندگی اسلامی بیان داشتند.

با بررسی و تطابق در آثار مکتوب و نیز فرمایشات امام (ره) می‌توان شاخص‌های سبک زندگی را از دیدگاه ایشان در زمینه‌های سبک زندگی فردی و خانوادگی، سبک زندگی اجتماعی، سبک زندگی سیاسی، و سبک زندگی فرهنگی بررسی نمود. (پرتال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۹).

امام راحل در بیانات و مکتوباتشان به طور مستقیماً و مشخص از واژه سبک زندگی استفاده نکرده‌اند؛ اما در فرمایشات و تعبیرات و ظرایف نگاه ایشان درباره شیوه زندگی اخلاق، جامعه اسلامی و فرهنگ ویژگی‌هایی وجود دارد که به صورت ضمنی همان معنا و مفهوم قابل استنباط می‌باشد. در حوزه سبک زندگی، اندیشه‌ها و بیانات ایشان شامل چهار مقوله عمده می‌باشد:

۱. برنامه زندگی؛

۲. وظایف نهادها؛

۳. تکالیف و حقوق فردی؛

۴. اسلام سیاسی. (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۳۶-۹۰).

منظومه امام راحل با توجه به، پیرو اعتقاد به مبدأ هستی و منشأ خیر، اصول معاد، نبوت، امامت و سایر مبانی دینی ثابت می‌گردد. با این اعتقاد، مقدس‌ترین هدف، کوشش در جهت تحقق عملی این اصول، ذیل مکتب توحید است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷۵؛ ج ۲۱، ص ۴۴۹).

برای مثال امام خمینی (ره) پیرامون سبک زندگی سیاسی معتقد است، برای رسیدن به این مهم، در منظر زندگی سیاسی، به ثمر نشستن احکام و ضابطه‌های توحیدی در عینیت زندگی بشر در حد مقدور است (همان، ج ۲۱، ص ۷۷).

با توجه به اینکه رسیدن به این هدف کلان، جز با رفع موانع تحقق برپایی و بسط حاکمیت عدالت محقق نمی‌شود، آرمان مبارزه با طاغوت‌ها و تلاش برای نابودی مستکبران به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اولی توحید، هدف میانی زندگی سیاسی مفروض است (همان، ج ۳، ص ۳۷۲؛ ج ۷، ص ۵۳۱؛ ج ۲۱، ص ۳۱۶).

رسیدن به این مقصود، با تحقق یافتن هدف مهم ولی نازل تری است؛ زیرا مقابله با منکران توحید و ترویج جامعه توحیدی، منوط به تأسیس نظامی تشکیلاتی در شکل برپایی

بررسی شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی ... (محمد مرادی و میثم مرادی) ۲۰۳

نظام سیاسی مبتنی بر دین است (همان، ج ۸، ص ۴۲). سلسله مراتب این اهداف، خاستگاه وظایف متعددی می‌گردد تا سبک زندگی سیاسی بر اساس شیوه‌های مواجهه با مهم‌ترین این وظایف پایه‌ریزی شود.

ب. آراء و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

از دیدگاه مقام معظم رهبری سبک زندگی عبارت است از شیوه زیست و رفتار اجتماعی (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۲۳/۷/۱۳۹۱).

نتایج تحلیل انجام گرفته در حوزه سبک زندگی، نشان می‌دهد اندیشه‌ها و بیانات رهبر معظم انقلاب شامل سه مقوله عمده است:

۱. مبانی اسلامی با مفاهیم: مناسک مذهبی، ایدئولوژی اسلامی، اخلاق، معنویت و بیداری اسلامی؛

۲. زندگی در دنیای مدرن با مفاهیم: رسانه، مصرف، فلسفه سبک زندگی، رفاه در دو بخش سلبی و ایجابی؛

۳. افراد و جامعه با مفاهیم: فرهنگ، قوانین، اقتصاد، روابط اجتماعی و خانواده.

از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) توجه بیشتر بر نظام‌سازی در حوزه سبک زندگی به‌عنوان رکن اصلی تمدن نوین اسلامی و پیشرفت، رفع ریشه‌های غریب‌گرایی و وابستگی از طریق استقلال، آسیب‌شناسی و دقت در مصادیق کلیدی آن با استفاده از شیوه‌های علمی دیده می‌شود که با توجه به شرایط کشور و معطوف به چشم‌انداز کشور و رویکرد تمدن‌سازی ایشان تلقی می‌گردد (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۳۶-۹۰).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم با تذکر به این مهم که سبک زندگی غربی، زیان‌هایی جبران‌ناپذیر به کشور و ملت ما زده است می‌فرمایند: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است». ایشان با تصریح به این‌که برای مقابله با

سبک زندگی غرب، اولاً، نیازمند جهادی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... و هستیم و ثانیاً، این جهاد همه جانبه باید هوشمندانه نیز باشد. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

همچنین ایشان پیرامون بحث سبک زندگی و مصرف، اصطلاح «عقل معاش» را در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی معرفی می‌فرمایند و این بدان معناست که لازم است برای فهم درست این مفهوم و بهره بردن از مآثر فکری و تمدنی در پاسخ به مسائل مرتبط با آن، به دنبال کشف مفاهیم معادل باشیم. (پایگاه اعتقادی فرهنگی الشیعه، بی‌تا).

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه پدیده‌ی مصرف‌گرایی و سبک زندگی حاصل از آن نتیجه طراحی نظام سلطه است بیان می‌دارند:

از این خطرناکتر، این است که سررشته‌ی همین تحولات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله‌ی این تحولات می‌خواهند اهداف خودشان را - که یا زر است یا زور - تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملت‌ها اصلاً ارزش ندارد؛ ... برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانی‌ها، سرمایه‌های عظیم، کارتل‌ها و تراست‌ها را به‌وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن وقت اگر اقتضاء می‌کرده است که اخلاق جنسی ملت‌ها را خراب کنند، راحت می‌کردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج کنند، به‌راحتی این کار را انجام می‌دادند؛ بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را می‌کردند. اینها، اهداف کلان آنها بوده است که تصویر می‌کردند. آن وقت همیشه لشگری هم از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت اینها بوده است، که اینها امروز یواش یواش دارد پخش می‌شود (بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی، ۱۳۸۵).

ایشان در سفر به استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۱ که می‌توان گفت برای اولین بار واژه سبک زندگی بصورت گسترده و برجسته از سوی رهبر انقلاب در دیدار با جوانان طرح گردید فرمودند:

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارة اخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ ... اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، بازپرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است (بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله‌العالی، ۱۳۹۱).

امام خامنه‌ای بعنوان اصلی‌ترین نظریه پرداز انقلاب اسلامی، با بیان ضرورت تشکیل تمدن نوین اسلامی، به دو بخش ضروری برای شکل‌گیری آن اشاره می‌کند و با اذعان به این‌که سبک زندگی جزو بخش متنی و اصلی تمدن‌سازی نوین است، در قالب مولفه‌هایی به تعریفی مقبول و مورد اعتنای انقلاب اسلامی از مفهوم سبک زندگی، می‌پردازند:

بخش حقیقی [در کنار بخش ابزاری شکل‌گیری تمدن نوین که پیشتر در بیانات معظم‌له ذکر شد]، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. (بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله‌العالی، ۱۳۹۱).

می‌توان گفت تحقق مواسات، به مثابه نظام‌سازی، یک امر اخلاقی و هویتی و ناظر به سبک زندگی اسلامی است. مفهوم مواسات نیز مانند بسیاری از مفاهیم دیگر یک مفهوم تمدن ساز است.

مواسات، نقش مهمی در شکل‌دهی جامعه و کشور اسلامی به عنوان یکی از مراحل مهم تمدن نوین اسلامی دارد و می‌توان از آن به عنوان یکی از مولفه‌های سبک زندگی اسلامی ذیل منظومه فکری مقام معظم رهبری اشاره کرد.

امام خامنه ای در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج) تأکیدی ویژه‌ای بر مفهوم «مواسات» داشتند؛ به‌خصوص آنجا که از مردم خواستند ماه رمضان را تبدیل به فرصتی برای «رزمایش گسترده‌ی مواسات و همدلی و کمک مومنانه به نیازمندان» کنند، ایشان می‌فرمایند: «بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم، جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط و عدل است و جامعه‌ی عزت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی مواسات و برادری است؛ اینها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقق ببخشیم». (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله‌العالی ۲۱/۰۱/۱۳۹۹).

می‌توان گفت ریشه‌ی مواسات به معنای «درمان کننده، معالجه کننده و اصلاح کننده دردها، ناراحتی‌ها و اندوه‌ها» است؛ و تأسی به معنی «ابراز همدردی و غم نسبت به دیگران» است. (العین، ج ۷، ص: ۳۳۲).

که نماد این مولفه سبک زندگی اسلامی در دنیای مدرن امروز را می‌توان در همدلی و حرکت‌های جهادی مردمی در تهیه و توزیع اقلام ضروری زندگی به افرادی که به جهت شیوع بیماری کرونا شغل و منبع درآمد خود را از دست داده‌بودند مشاهده کرد، همچنین از جمله موارد دیگر می‌توان به تهیه بسته‌های فرهنگی، مواد غذایی و خدمت‌رسانی مذهبی به جهت روحیه بخشی و قدردانی از کادر درمان و نیز بیماران در عین رعایت اصول بهداشتی اشاره کرد.

یکی از اقدامات جالب توجه که تاثیر بسیاری بر افکار عمومی برجای گذاشت درج ادعیه و اشعار و پیام‌های حماسی بر البسه کادر درمان است. این اقدام نه تنها منجر به روحیه بخشی به کادر درمان و بیماران است، بلکه مجدداً فضای همدلی، ایثار و مجاهدت دوران دفاع مقدس را در بین مردم زنده کرد.

همچنین به علت خطرات بالقوه انجام آداب تدفین فوت شدگان ناشی از این بیماری بازهم روحانیت با ایثار و بدون هیچ گونه چشم‌داشتی این خطر را به جان پذیرفته و جلوه‌ای دیگر از همدلی، مواسات و سبک زندگی توحید محور اسلامی را به‌نمایش گذاشتند بانوان نیز نقش مهم و به‌سزایی در این قبیل موارد ایفا کرده‌اند که می‌توان به آن اشاره کرد.

در مجموع می‌توان گفت این اقدامات خودجوش مردمی نشان دهنده رسوخ سبک زندگی اسلامی توحید محور با مولفه هایی از جمله ایثار، مجاهدت، وحدت، همدلی و هم‌یاری در بین آحاد جامعه است.

حال آنکه در غرب فضایی متشنج، رعب‌انگیز و منفعت طلبانه از زمان شروع این همه‌گیری حکم‌فرما شده است. به عنوان مثال می‌توان به توقیف، مصادره و در یک کلام دزدی محموله‌های بهداشتی و پزشکی توسط دولت‌ها، برگزاری تجمعات مردمی در مخالفت با رعایت اصول بهداشتی که به نوعی در تضاد با عقل سلیم است و هم‌چنین هجوم مردم به فروشگاه‌ها و خرید بیش از مقدار نیاز و احتکار آن و کم‌یاب شدن اقلام بهداشتی و خوراکی اشاره کرد.

در مجموع می‌توان گفت در عین این‌که سبک زندگی غربی توسط رسانه‌های آنان نظام‌مند و دارای مقررات معرفی می‌گردد ولی در واقعیت امر در زمان بروز بحران وجهه واقعی و منفعت طلبی فردی خود را به نمایش می‌گذارد.

۴. نتیجه‌گیری

یکی از ابعاد مهم سبک زندگی مقوله تمایز سازی است که متشکل از دو بعد پیوند عینی و پیوند ذهنی در جامعه است. افراد جامعه با برقراری پیوند عینی برهم کنش‌های متقابل با یک‌دیگر را صورت می‌دهند حال آن‌که در پیوند ذهنی حتی در نبود مجاورت حس هم‌گرایی و مقاومت در برابر عوامل ایجاد گسست هم‌چنان به قوت خود باقی است. می‌توان گفت در صورت کاهش وحدت و انسجام افراد جامعه هویت ملی خدشه دار و آسیب پذیر می‌شود، پیوند گروه‌ها با هویت‌های گروه‌های اجتماعی به نوعی یک سرمایه اجتماعی برای نظام هستند. حال اگر تمایز سازی بیش از حد صورت پذیرد نتیجه آن تضعیف انسجام و وحدت ملی است. در مجموع می‌توان گفت مولفه‌های فرهنگی، هنجارها و ارزش‌ها و به قولی سبک زندگی، مهم‌ترین عامل در استحکام و انسجام ملی و پیوندهای اجتماعی و تقویت ارتباط بین افراد اجتماع است.

از دیگر جنبه‌های مهم سبک زندگی می‌توان به ابعاد نمادین و نمایشی آن اشاره کرد.

این جنبه از سبک زندگی نقشی غیرقابل انکار بر رفتارهای هم‌گرایی اجتماعی افراد داشته و بر کنش‌های اجتماعی ارزش‌ها و هویت افراد تاثیرگذار است. جنبه‌های

نمایشی سبک زندگی به علت عدم ثبات و دگرگونی مداوم منجر به گروه‌بندی‌های اجتماعی و ایجاد تضاد در درون جامعه می‌شود که می‌تواند در نهایت چالش‌های ساختاری آن، منجر به فروپاشی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت هویت فرد زمینه‌ای برای معرفی رفتارها، گفتارها و ارزش‌های وی بوده و اگر فرد سبک زندگی خود را از جامعه غربی وام بگیرد در حفظ هویت اسلامی و کمال‌گرایی خود ناتوان خواهد بود و سوالی که در این جا مطرح می‌گردد این است که راه تقابل سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی منحط غربی از کدام مسیر می‌گذرد؟

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

اسولیوان، ت.، هارتلی، ج.، ساندرز، د.، و فیسک، ج. (۱۳۸۵) مفاهیم کلیدی ارتباطات. تهران: فصل نو.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، شریعت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

خلیل بن احمد، آل‌عصفور، محسن، سامرائی، ابراهیم، و مخزومی، مهدی. اب.م. العین. ج. ۱. قم - ایران: موسسه دار الهجره.

دیویس، تونی (۱۳۷۸) اومانیسم، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

ذکایی، م. س. (۱۳۹۱) فراغت، مصرف و جامعه تهران تیسرا.

رجبی، محمود (۱۳۸۰) انسان‌شناسی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

شهابی، م. (۱۳۸۶) سبک‌های زندگی جهان و طنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن. در س. ر. صالحی (ویراستار)، الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

شکوهی، علی (۱۳۸۴) عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، قم: بوستان کتاب.

طوسی، محمد بن حسن، و قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه. اب.م. الأمالی. ج. ۱. قم - ایران: دار الثقافه.

فیضی، مجتبی، (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸، صفحه ۲۷ - ۴۲.

بررسی شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی ... (محمد مرادی و میثم مرادی) ۲۰۹

قاضی طباطبایی، محمود و همکاران (۱۳۸۶) پزشکی شدن به مثابه بازی پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.

گودرزی غ، چهاردولی ع، مهدوی کنی س، باقری کنی م، غفاری س. الگوی سبک زندگی از منظر ولایت فقیه: امام خمینی (ره) و امام خامنه ای (مدظله العالی). مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی. ۱۳۹۸؛ ۳۶-۹.

لوزیک، دانیلین. (۱۳۹۳)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه سعید سعیدفر. تهران: امیرکبیر.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۲۹)، سبک زندگی اسلامی، ضرورتها و کاستی‌ها، نشریه معرفت، شماره ۱۸۵، ص ۵.

مقدس، علی اصغر و مریم سروش (۱۳۹۱)، فضای اجتماعی زندگی و طبقه اجتماعی بازنمایی فعالیت های فراغتی زنان در شیراز، مجله بررسی مسایل اجتماعی ایران، سال دوم شماره پنجم. مهدوی کنی، م. س. (۱۳۸۷) مفهوم سبک زندگی و گستره ی آن در علوم اجتماع ی. ۲۳۰-۱۹۹، ۱(۱)، فرهنگی تحقیقات.

مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۹۶) مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ی ۱.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بهبودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، ربانی شیرازی، عبدالرحیم، عابدی زنجانی، یحیی، عابدی زنجانی، یحیی، علوی، عبدالزهراء، و دیگران. بدون تاریخ. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، بیروت، دار احیاء التراث العربی لبنان.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، انسان و ایمان، تهران، صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

میر صالحیان، اکبر و دالوند، (۱۳۹۷) تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران، مجله میکروبی شناسی پزشکی در ایران، سال ۱۲، شماره ۴.

موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۵، صحیفه امام، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

نصر، سیدحسین (۱۳۸۱) اسلام و تنگناهای انسان متجدد، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۲) جوان مسلمان و دنیای متجدد، تهران: طرح نو.

وبر، ماکس (۱۳۷۱)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.

- Aldrich , D. Cultivating social ties in the age of physical distancing. PUBLISHED ON 07 APR 2020, in UNDRR.
- Andersson, M., & Jansson, A. (1998). The Blurring of Distinctions. Media Use and the Progressive Cultural Lifestyle. Nordicom Review, 2, 63-77.
- Barker, C. (2004). The Sage dictionary of cultural studies, Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications, London.
- Bourdieu, P (1984), Distinction, Routledge, London.
- Douglas, M. and Isherwood, B (1980), The world of goods, Harmondsworth: Penguin
- Featherstone, M. (2007). Consumer culture and postmodernism. Los Angeles: SAGE Publication
- Fiske, J. (1989). Understanding popular culture, Unwin Hyman, Boston.
- Merton, R.K. & Nisbet, R. (1976). Contemporary Social Problems. Fourth Edition.: Harcourt Brace Jovanovich, New York.
- Morin Edgar, Ce que nous dit le coronavirus, Libération, 12 mars 2020.
- Rojek, C (2004), The consumerist syndrome in contemporary society: an interview with Zygmunt Bauman, Journal of Consumer Culture, Vol.4: 31.
- Simmel, G. (1978). The philosophy of money, Routledge & Kegan Paul, London; Boston.
- Veblen , T. (1899). The Theory of the Leisure Class, Oxford University Press, Oxford.

منابع اینترنتی

- بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸
- بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳
- بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳
- پایگاه اطلاع رسانی پدافند غیرعامل، (۱۳۹۹)، <https://paydarymelli.ir/fa/news/58076>
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، (۱۳۸۵)، <https://hawzah.net/fa/Article/View/5101>
- پارسا، حمید (۱۳۹۱)، علوم اجتماعی و سبک زندگی دینی، قابل دسترس در: <http://t-0-e.ir/interview/360-1392-03-04-14-35-34.htm>
- پرتال امام خمینی (ره)، (۱۳۹۹)، <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n150144>
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، <https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=41652> (۱۳۹۷/۱۱/۲۳)

بررسی شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی ... (محمد مرادی و میثم مرادی) ۲۱۱

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله‌العالی (۱۳۹۹/۰۱/۲۱). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>

پایگاه اعتقادی فرهنگی الشیعه، بی‌تا، مفهوم‌یابی سبک‌زندگی در اندیشه‌ی امام [/https://farsi.al-shia.org](https://farsi.al-shia.org)

کوتینر، ایزاک، (۱۳۹۹) چگونه بیماری‌های عالمگیر، تاریخ را تغییر می‌دهند گفتوگو با فرانک‌ام‌اسنودن (ترجمه)

علی کاظمیان، زهرا شوشتری و نگین نژادعلی) سایت ایران آنلاین <http://www.ion.ir/news/553725>

